

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه استدلال به آیه شریفه

گفته شد که مدعا عبارت است از رفع یا دفع حکم حرجی وارد در شریعت؛ حال، سؤال این است که آیا از این آیه شریفه مدعا استفاده می شود یا خیر؟ نسبت به این آیه شریفه دو نظریه بین مفسرین و فقها وجود دارد.

نظریه اول این است که «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» – فرقی با آیه قبلی این است که اولاً کلمه «فی الدین» ندارد؛ و ثانیاً کلمه «یرید» دارد – «مَا يُرِيدُ اللَّهُ» به مجموع آیه شریفه برمی گردد. در اول آیه فرموده است: «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» قسمت اول آیه تشریع وضو است؛ بر حسب برخی از روایات «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» یعنی «اذا قمتم من النوم الي الصلاة»، خواب چون عنوان حدث دارد، وضو بگیرید. بعد می فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا»، که تشریع غسل است. سپس، چهار گروه را ذکر می کند: «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» و برای این چهار گروه تیمم را تشریع می کند. «لَمْ تَجِدُوا»، یعنی «لم تتمكنوا من الماء».

(در این قسمت آیه، بحث های مفصلی بین فقها و مفسرین وجود دارد؛ «إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ»، در این ظهور دارد که اگر کسی مریض بود، به جای وضو و غسل، تیمم کند؛ هر چند استفاده از آب برایش ضرر نداشته باشد؛ و یا عنوان دیگری وجود نداشته باشد. اگر کسی مسافر بود، خود عنوان مسافر، موجب تبدل غسل و وضو به تیمم می شود که بعضی از مفسرین عامه نیز این احتمال ظاهر آیه را گرفته اند و گفته اند همان گونه که کسی مسافر می شود، نمازش قصر می شود، همان طور وضویش به تیمم تبدیل می شود؛ یعنی هر چند آب دارد و برایش ضرر ندارد، اما چون عنوان مسافر دارد، تیمم کند و نماز بخواند. البته این قولی است بر خلاف ضرورت فقه و سیره پیامبر (اکرم صلوات الله علیه))

سپس، کیفیت تیمم را هم ذکر می کند: «فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ»؛ و بعد می فرماید: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ». بحث این است که «مَا يُرِيدُ اللَّهُ» مربوط به چیست؟ نظر اول این است که به تمام آیه شریفه مربوط است. مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» جلد سوم، صفحه 256، مرحوم علامه طباطبائی در «المیزان»، و همچنین جمعی از علمای عامه مثل آلوسی در «روح المعانی» به این نظریه معتقدند. «مَا يُرِيدُ اللَّهُ» می خواهد بفرماید این که می گوئیم اگر آب دارید وضو بگیرید یا غسل کنید، اگر هم آب ندارید تیمم کنید، واجبات و فرائضی که برای شما قرار دادیم، هدفمان این نیست که شما را در مشقت بیندازیم. «وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ»؛ برای این که خداوند می خواهد شما را تطهیر کند.

غایت اصلی از تشریع وضو و غسل، تطهیر شماست. غایت دوم این است که «وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ»، نعمتش را می خواهد

برای شما تمام کند. حال، منظور از نعمت چیست؟ آیا مثل کلمه «نعمت» در آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» است؟ نعمت در آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ...» به معنای دین است. اما همان‌گونه بیان داشتیم، این ملازم نیست با آن که در اینجا نیز به همین معنا باشد؛ بلکه نعمت در این مورد، یعنی طهارت باطنی پیدا کنید.

بیان مرحوم طبرسی

عبارت مرحوم طبرسی این است: «معناه — یعنی معنای این قول خداوند متعال — ما یرید الله بما فرض علیکم من الوضوء اذا قمتم الي الصلاة والغسل من الجنابة والتيمم عند عدم الماء — خداوند فرائضی را که بر شما واجب کرده است، — لیلزمکم فی دینکم من ضیق — هدف خداوند این نیست که شما را در دین، بخواهد در حرج و مشقت بیندازد. سپس، می‌فرماید این بیان را «مجاهد» و جمیع مفسرین گفته‌اند؛ و به جمیع مفسرین اسناد می‌دهد. این احتمال در آیه شریفه، با بعضی از امثله عرفی نیز سازگاری دارد؛ مثل داروی تلخی که دکتر به مریض می‌دهد و هدفش نجات جان مریض است. اینجا هم خداوند می‌فرماید هدف از جعل وضو ایجاد مشکل نیست؛ بلکه هدف تطهیر شماست.

بیان مرحوم آلوسی

مرحوم آلوسی نیز در «روح المعانی»، جلد سوم، صفحه 81، همین تعبیر را دارد؛ «ما یرید الله بما فرض علیکم» یعنی «ما یرید» را به صدر آیه تا آخر برگردانده است.

بیان مرحوم طباطبائی

مرحوم آقاي طباطبائي (رضوان الله عليه) در جلد ششم المیزان، صفحه 230، عبارتشان این است که: «فلا حکم یراد به الحرج بین الاحکام الدینیة — بین احکام دین، حکمی که غایت خداوند این باشد که شما را به حرج بیندازد، نیست؛ بعد قرینه‌ای در اینجا ذکر می‌کنند. البته کسانی که این نظریه را دارند، مجموعاً دو قرینه در کلامشان ذکر شده است؛ یکی همین است که ایشان می‌فرمایند: — ولذلک علق النفي — خداوند نفي را معلق کرده است — علي ارادة الجعل دون نفس الحرج — نفي در آیه را روی یرید برده است؛ «ما یرید الله» یعنی غایت خدا این نیست، خدا این را اراده نمی‌کند. اما نفي را روی خود حرج نبرده است؛ یک وقت می‌گوید حرجی نداریم یعنی نفي حکم حرجی است؛ یک وقت هم می‌گوید «ما یرید الله» یعنی غایت خدا از این جعل وضو و جعل غسل و تیمم، حرج نیست.

بعد در ادامه فرموده‌اند: — والخرج حرجان — دو نوع حرج داریم — حرج یعرض ملاک الحكم ومصلحته المطلوبه ویصدر الحكم حينئذ حرجياً بذاته لتبعيته ملاکه — گاهی اوقات حرجی است مربوط به ملاک حکم؛ خود ملاک حرجی است؛ — كما لو حرّم الالتذاذ من الغذاء لغرض حصول ملكة الزهد فالحكم حرجي من رأسه — یک نوع حرجی است که مربوط به خود ملاک حکم است؛ یعنی اصلاً ماهیتی حرجی دارد — وخرج یعرض الحكم من خارج عن أسباب اتفاقية — یک حرجی هم داریم که مربوط به خارج حکم است؛ اسبابی که خارج از حکم است — فیکون بعض افراد حرجياً ویسقط الحكم حينئذ — در جایی که در ملاک حکمی حرج است، مثل جهاد، حرج ساقط نمی‌شود؛ اما در نوع دوم که در ذات و ملاکش حرج نیست، بلکه حرج مربوط به اسباب اتفاقية است، می‌فرماید: — یسقط الحكم في تلك الافراد الحرجیه لا في غيرها کمن یتخرج عن القيام في الصلاة لمرض.

سپس، قرینه دوم را بیان می‌فرمایند و آن این است که: واضرا به تعالی بقوله وَ لَکِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَکُمْ — قرینه دوم کلمه «لکن» است؛ می‌فرماید: — يدل علي أَنَّ المراد بالآيه نفي الحرج الذي في الملاك — آیه می‌خواهد نفی حرج در ملاک کند — اي: إِنَّ الاحکام التي يجعلها عليكم ليست بحرجية — آیه به قرینه «لکن» می‌خواهد بگوید حرج نوع اول را اراده فرموده است؛ یعنی خود ملاک حرجی باشد.

خلاصه فرمایش مرحوم علامه طباطبائی این شد که گاهی حرج مربوط به خود حکم و ملاک حکم است؛ یعنی شارع حکمی را ملاک الحرج جعل کند؛ می‌فرماید: اینجا جعل احکام لملاک الحرج نیست. آیه این معنا را بیان می‌کند.

نتیجه احتمال اول

نتیجه این می‌شود که طبق این احتمال که بگوییم «ما يريد الله» به مجموع آیه برمی‌گردد، دیگر ارتباطی به مدعا ندارد. مدعا این است که شارع بفرماید در هر حکمی که حرج عارض شد لاسباب خارجیّه، آنجا آن حکم برداشته می‌شود؛ اما هنگامی که طبق فرمایش مرحوم طباطبائی گفتیم در این آیه شریفه حرج نوع اول را اراده می‌کند، دیگر آیه ارتباطی به مدعا ندارد.

نظریه دوم

نظریه دوم این است که «ما يريد الله» به وضو و غسل ارتباطی ندارد؛ فقط به تیمم مربوط است. این که فرمود: «إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» و بعد هم کیفیت تیمم را بیان میکند و می‌گوید: «ما يريد الله ليجعل عليكم في الدين من حرج»؛ حال که تمکن از آب ندارید، شما را به حرج نمی‌اندازیم و مثلاً نمی‌گوییم باید چاهی بکنید تا آب پیدا کنید؛ لزومی ندارد. اگر الان تمکن از آب ندارید، تیمم کنید.

در این صورت است که به ما نحن فيه ارتباط پیدا می‌کند؛ چرا که در تیمم دو جهت وجود دارد؛ یک جهت نفی الوضوء والغسل است و یک جهت اثبات که تیمم است، وجود دارد؛ «ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج» قسمت نفی را درست می‌کند؛ یعنی اینجا که وضو و بر شما حرجی است، ما يريد الله؛ اما «لَکِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَکُمْ» جانب اثباتی آن است؛ یعنی خداوند تراب را نیز به عنوان «احد الطهورين» قرار داده است. «يريد ليطهرکم وليتم نعمته»، یعنی اصل طهارت برای نماز لازم است؛ اولاً وبالذات باید وضو و یا غسل باشد؛ ولی حالا که طهارت مائیه برای شما حرجی است، اتمام نعمت — که نعمت عبارت از طهارت است — به این است که با همین خاک خودتان را تطهیر کنید.

مؤیدات احتمال دوم

اولاً، قضیه اُقریب است؛ یعنی از باب اینکه قید را باید به اقرب برگردانیم و «الاقرب يمنع الایبعد»، این احتمال صحیح است. جهت دوم این است که هنگامی که آیه مسأله غسل را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا»؛ امر به طهارت آورده است و اگر بگوییم ذیل آیه شریفه به مجموع آیه مربوط است، لازمه‌اش این است که «يريد ليطهرکم» دوباره تکرار شده باشد؛ و تکرار نیز مخلّ فصاحت است.

کلام مرحوم امام (رضوان الله علیه)

این معنای دوم از کلمات امام (رضوان الله علیه) در کتاب «الطهارة»، جلد دوم، صفحه 13 استفاده می شود. ایشان فرموده اند: **فلأن التعليل بقوله ما يريد الله، الظاهر عرفاً في كونه مربوطة بالتيمم** — «ما يريد الله» ظهور عرفی دارد که به تیمم مربوط است. ایشان آن را مربوط به ذیل آیه می داند و بعد در دنباله می فرماید: **وأن الأمر بالتيمم لاجل التسهيل ورفع الحرج** — شارع برای تسهیل و رفع حرج، به تیمم امر کرده است. — **فإن الأمر للمرضي بالطهارة المائية** — اگر شارع به مریضی می فرمود که طهارت مائیه داشته باشد، حرجی بود. در صفحه 27 از همین کتاب الطهارة جلد دوم نیز فرموده اند که از ذیل آیه یک قاعده کلی استفاده می کنیم. — **يدلّ علي أنه كلها كان الوضوء والغسل حرجياً** — هر زمان که وضو یا غسل حرجی شد، منشأش هرچه می خواهد باشد — **سواء كان الحرج في نفسهما** — گاهی اوقات حرج در خود وضو گرفتن یا غسل کردن با آب و طهارت مائیه است — **أو مقدماتها** — این هم نکته خیلی لطیفی است که حرج گاهی در مقدمات اینهاست؛ بخواید بلند شود برود یک شهر دیگر آب پیدا کند، حرجی است. — **يتبدّلان بالتيمم** — تبدل به تیمم پیدا می کند.

کلام مرحوم آقای خوئی

فقیه بزرگ دیگر مرحوم آقای خوئی (قدس سره) در کتاب الطهارة، جلد اول، صفحه 68 فرموده اند: **«ثم أنه لو كنّا نحن — اگر ما باشیم و این آیه مبارکه — وهذه الآية المباركة لخصصنا مشروعية التيمم بموارد عدم التمكن من استعماله عقلاً أو شرعاً؛ از این عبارت مرحوم آقای خوئی نیز استفاده می شود که ایشان نیز «ما يريد الله» را به مسأله تیمم برگردانده اند؛ بعد فرموده اند: ادله نفي ضرر و حرج دلالت دارد که مشروعیت تیمم عام است؛ — لما اذا تمكن من استعمال الماء عقلاً وشرعاً — اما استعمالش اگر حرجی بود، — فلا بد من التيمم.**

کلام ابن کثیر

از میان مفسرین نیز ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم، جلد دوم، صفحه 262، گفته است: **«فلهذا سهل عليكم ويسر ولم يعسر بل أباح التيمم عند المرض وعند الفقد الماء»؛** ابن کثیر نیز بیان می کند که «ما يريد الله» یعنی می خواهد بگوید خدا می فرماید من در اینجا که وضو برای شما حرجی است، وضو را واجب نمی کنم، به جایش تیمم انجام دهید.

کلام مرحوم اردبیلی

مرحوم اردبیلی در کتاب «زبد» ابتدا فرمایش طبرسی را به عنوان قیل ذکر کرده است: **قيل ما يريد الله الامر بالوضوء بالصلاة أو بالتيمم الي آخر** — بعد فرموده — **ويحتمل** — همین احتمال دوم را داده — **أن يكون المراد ما يريد الله جعل الحرج عليكم** — خداوند جعل حرج را بر شما اراده نکرده است — **بتكاليف شاقه مثل تحصيل الماء علي كل وجه ممكن** — بگوید هرطوری است، باید آب به دست آوری — **وعدم كون الماء حاضراً وان كان ممكن في نفسه ولا بالطلب الشاق كالحفر بل بلا علي الظاهر.** از میان فقهای متأخرتر، والد بزرگوار ما (دام ظلّه) همین معنای دوم را اختیار کردند. برخی از بزرگان دیگر هم در کتاب «قواعد فقهیه» شان نظر اول را اختیار کرده اند.

نقد قرائن قول اول

یک زمان است که می‌گوییم بالاخره ما نمی‌فهمیم «ما یرید الله» به تمام آیه می‌خورد یا فقط به ذیل آیه می‌خورد؟ اگر به این حد رسیدیم، نتیجه این می‌شود که آیه شریفه از این جهت مجمل می‌شود و دیگر صلاحیت استدلال ندارد.

اما بیاییم قرائن قول اول را بدست آوریم؛ قول اول دو قرینه دارد؛ یکی کلمه «یرید» و دیگری کلمه «لکن». به نظر ما هر دو قرینه‌اش ضعیف است؛ یعنی اگر شارع بخواهد بفرماید که من حکم حرجی را برداشتم، نمی‌توانید بفرمایید «ما یرید الله»؛ پس، بودن کلمه «یرید» این نقشی ندارد و ثانیاً کلمه «لکن» نیز قرینیت ندارد؛ خداوند در باب رفع حرج دو کار باید بکند، یک کار این است که حکم حرجی برداشته شود وضو اگر حرجی شد برداشته شد؛ البته گاهی جای این حکم حرجی چیزی گذاشته می‌شود؛ **لکن یرید لیطهرکم** با تیمم، «لکن» هیچ قرینیتی ندارد که حتماً بگوییم «ما یرید الله» باید به کل آیه بخورد.

بنابراین، این دو قرینه آنها ضعیف است و انصافش این است که قرائن قول دوم هم بیشتر است و هم قوی‌تر. نتیجه این می‌شود که ما می‌توانیم از آیه شریفه استفاده کنیم که خداوند با «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج» یک ضابطه کلی دست ما می‌دهد؛ یعنی هر جا یک حکمی به حد حرج رسید، ما یرید الله. این آن چیزی است که ما می‌توانیم از آیه شریفه استفاده کنیم؛ حال، یک بررسی کنید نسبت به فقهای که به این آیه شریفه بر لاجرج استدلال کرده‌اند؛ که فردا اینها را عرض می‌کنم. والسلام.